

بچه‌های روستا؛ قربانیان خاموش کشاورزی

کار کودکان در مناطق روستایی کشور هنوز گسترده است و فقر، نبود آموزش و قوانین ناکافی، آن‌ها را به کار وامی‌دارد

کتبه
P 0 1 N T



علی اکبر اسماعیلی پور

فعال حقوق کودک

جایگاه کودکان در اقتصاد روستا

پدیده کار کودک در مناطق روستایی ایران یک مسئله پیچیده و چندبعدی است که هم ریشه‌های اقتصادی دارد و هم با فرهنگ و ساختار اجتماعی این مناطق گره خورده است. بسیاری از خانواده‌های روستایی با درآمد اندک و ناپایدار کشاورزی خرده‌پا مواجه هستند؛ جایی که محصولات زمین یا دام‌های محدود فقط گذران زندگی روزمره را ممکن می‌سازد. فصلی بودن فعالیت‌های کشاورزی و نبود حمایت‌های اجتماعی کارآمد، خانواده‌ها را در چرخه فقر نگه می‌دارد و امکان استخدام کارگر روزمزد را تقریباً غیرممکن می‌سازد. در چنین شرایطی، استفاده از تمام اعضای خانواده، از جمله کودکان، به عنوان منبع نیروی کار به یک ضرورت، نه یک انتخاب تبدیل می‌شود. کار کودک در این بستر، نه به چشم آسیب، بلکه به عنوان یک استراتژی بقا پذیرفته و تبدیل به امری طبیعی در زندگی روزمره می‌شود.

66

کودکان

روستایی

در معرض

خطرات متعدد

کشاورزی

قرار دارند؛

کار طولانی،

استفاده از

ابزار و مواد

شیمیایی،

محرومیت از

تحصیل و نبود

نظارت قانونی،

زندگی و

سلامت آنان را

تهدید می‌کند

پدیده کار کودکان در ایران، به ویژه در مناطق روستایی، همچنان گسترده و پیچیده است. اغلب این کارها در قالب‌های پنهان و غیررسمی رخ می‌دهد؛ کار در خانه، کمک به مزرعه خانوادگی یا فعالیت در کسب‌وکارهای خرد. شرایط زندگی در این مناطق و نیازهای اقتصادی خانواده‌ها، کودکان را از سنین پایین وارد چرخه اقتصادی می‌کند و فرصت آموزش و بازی را از آن‌ها می‌گیرد. حوادث دلخراش جان‌باختن کودکان کارگر، مانند حادثه ماه گذشته در برداشت زعفران در جاده مشهد-فریمان، زنگ‌های هشدار را برای جامعه و مسئولان به صدا درمی‌آورد. این رخدادها ضرورت واکاوی عمیق حقوقی و اجتماعی پدیده کار کودک را به روشنی نشان می‌دهد.

طاهره پژوهش، فعال حوزه کودک، می‌گوید: «بدون اصلاح ساختارهای اقتصادی و اختصاص بودجه، قوانین حمایتی از کودکان کار در کشاورزی تنها روی کاغذ باقی می‌ماند.» او در گفتگو با آتیه‌نو به بررسی ریشه‌های تاریخی کار کودکان در کشاورزی و موانع قانونی برای ریشه‌کنی این پدیده پرداخته است.

تاریخچه طولانی کار کودکان

این جامعه‌شناس با اشاره به پیشینه تاریخی توضیح می‌دهد: «کودکان در تمام فعالیت‌هایی که به تولید

منجر می‌شد، کار می‌کردند و یکی از اصلی‌ترین این فعالیت‌ها، کار در کشاورزی بوده است.» پژوهش تأکید می‌کند که فقر اقتصادی تنها عامل اشتغال کودکان نیست. تا قرن نوزدهم، وقتی آموزش همگانی مطرح نبود، کودکان به عنوان «بزرگسالان کوچک» در چرخه اقتصادی خانواده مشارکت داشتند.

او ادامه می‌دهد: «پس از قرن نوزدهم که مسأله تعلیم و تربیت کودکان مطرح شد، کار فکری جایگزین کار بدی شد و قرار شد بچه‌ها به مدرسه بروند. به مرور در بسیاری از نقاط جهان، کودکان به جای «خرج‌درار» به «خراج‌تراش» تبدیل شدند.» این پژوهش تصریح می‌کند که بهره‌مندی کودکان از قوانین حمایتی بسته به زمان و مکان تولد آن‌ها متفاوت است و در بسیاری از کشورهای آسیایی و آفریقایی، تعداد کودکان کار بیشتر است و قوانین حمایتی کمتر اجرایی می‌شود.

عوامل فرهنگی و نظارتی

کار کودک در روستاها، به ویژه در مزارع و دامداری‌ها، تنها ناشی از فقر اقتصادی نیست. پژوهش می‌گوید: «فقر فرهنگی و نبود نظام نظارتی کارآمد نیز شرایطی را به وجود می‌آورد که کودکان به کار کشاورزی مشغول شوند.» یکی از خطرات عمده، استفاده از سموم کشاورزی، ابزارآلات خطرناک و ساعات طولانی کار



است که اغلب منجر به محرومیت از تحصیل می‌شود. در برخی مناطق دوارفتاده، دسترسی به مدرسه وجود ندارد و کودکان به ناچار به کار فرستاده می‌شوند. برای عینی‌تر کردن خطرات، پژوهش خاطره‌ای از یک کودک کار تعریف می‌کند: «دختر ۹ ساله‌ای از یکی از روستاهای نهاوند به بیمارستان آورده شد که با داس سه انگشت خود را بریده بود. پدر خانواده از دست رفته بود و برای تأمین علف گاوهای خانواده مجبور شده بودند کودکان را به کار بگمارند.» این واقعه نشان‌دهنده تهدید حق سلامت و بقای کودک است.

خلأهای قانونی و تجربه بین‌المللی

با وجود اینکه ایران مقاله‌نامه ۱۸۲ سازمان بین‌المللی کار را امضا کرده است، کودکان همچنان در مشاغل خطرناک کشاورزی، سمپاشی باغات و کارگاه‌های ریسندگی فعالیت دارند. پژوهش می‌گوید: «تا زمانی که رشد اقتصادی محقق نشود، شورای ریشه‌کنی کار کودک نمی‌تواند عملکرد مؤثری داشته باشد. متأسفانه در کشور ما نیز اراده جدی برای بهبود شرایط کودکان وجود ندارد.»

او مهم‌ترین مانع را بودجه‌بندی می‌داند: «کودکان هیچ سهمی در بودجه کشور ندارند. اگر قانونی برای حمایت از کودکان داریم، برای اجرای آن بودجه‌ای اختصاص

نیافته است.» دومین مانع، ساختارهای اقتصادی است؛ زمانی که این ساختارها به ضرر کودکان عمل می‌کنند و معیشت خانواده دشوار است، اولین کاری که خانواده‌ها می‌کنند، فرستادن کودکان به کار است.

راهکارهای فوری و مشارکتی

پژوهش پیشنهاد می‌کند که تهیه آمار دقیق و اجرای برنامه‌های پایلوت در استان‌ها، استخدام مددکاران و استفاده از تجربیات سازمان‌های مردم‌نهاد، مانند «کیانا» در کرج، گام‌های فوری و مؤثری هستند. او تأکید می‌کند که بدون تعامل دولت و سمن‌ها، هیچ راهکاری پایدار نخواهد بود. «زمان عمل بر اساس نیت خوب گذشته است. اکنون زمان برنامه‌ریزی کارشناسی شده، مبتنی بر آمار و دانش است. ما با ۳۰ سال سابقه کار مستقیم با کودکان آماده همکاری با دولت و نهادهای مدنی هستیم.»

نقش قانون و مسئولیت‌ها

افشین محمدی، وکیل پایه یک دادگستری، درباره مسئولیت حقوقی حوادث کودکان کار می‌گوید: «کارفرما، به ویژه بهره‌بردار مزرعه، مسئول مستقیم حوادث است. استخدام افراد زیر ۱۵ سال ممنوع است و در صورت وقوع حادثه، کارفرما مسئول کامل جزایی و مدنی است.» حتی در موارد کودکان بالای ۱۵ سال، اگر در محیط‌های خطرناک کار کنند، مسئولیت با کارفرماست. محمدی بر لزوم تصویب قانون خاص حمایت از کودکان در کشاورزی تأکید می‌کند: «این قانون باید ممنوعیت مطلق کار کودکان زیر ۱۶ سال در مشاغل خطرناک را تعیین کند و تعریف دقیقی از مشاغل خطرناک ارائه دهد؛ کار با تجهیزات مکانیزه، تماس با آفت‌کش‌ها، کار طولانی یا شرایط سخت آب‌وهوایی.»

سازوکارهای نظارتی و صندوق حمایت

او پیشنهاد می‌دهد که تیم‌های نظارتی محلی شامل شوراهای شهر و روستا، آموزش و پرورش، بهزیستی و بازرس کار تشکیل شود تا فهرست کودکان در معرض خطر را تهیه کنند و گزارش‌های ماهانه ارسال شود. همچنین، ایجاد «صندوق ملی حمایت از خانواده‌های کشاورز نیازمند» می‌تواند با ارائه ماهانه، بیمه درمانی و شغل جایگزین، ریشه کار کودک را هدف بگیرد. کار کودک در ایران، نتیجه ترکیب فقر اقتصادی، ضعف فرهنگی و خلأ نظارتی است. حوادث اخیر، زنگ هشدار برای جامعه و مسئولان است. اصلاح ساختارهای اقتصادی، اجرای قوانین حمایتی، توسعه آموزش و تشکیل شوراهای ریشه‌کنی کار کودک، همراه با تعامل دولت و سمن‌ها و تخصیص بودجه مشخص، تنها راهکار واقعی برای پایان دادن به این معضل تاریخی است.

کودکان و داس

ایجاد سازوکارهای محلی شامل شوراهای شهر و روستا، آموزش و پرورش، بهزیستی و بازرس کار می‌تواند نظارت مؤثر و فرهنگ قانونی را برای حفاظت از کودکان فراهم آورد

خسارت مدنی می‌تواند تا سه برابر افزایش یابد و بهره‌برداری از زمین‌های دولتی برای کارفرمایان متخلف سلب شود.» چنین ترکیبی، بازدارندگی قوی ایجاد می‌کند و مانع از تکرار تخلفات می‌شود. همچنین، در صورت جرح یا فوت کودکان، قوانین مشخصی وجود دارد: برای جرح، علاوه بر دیه، حبس تا سه سال و برای فوت (قتل ناشی از تقصیر)، پرداخت دیه کامل و حبس پیش‌بینی شده است. در صورتی که کارفرما عمداً کودک را در شرایط خطرناک قرار دهد، مجازات می‌تواند تا قصاص یا حبس طولانی‌مدت برسد.

ضرورت تصویب قانون خاص

محمدی تأکید می‌کند که قانون کار موجود، در عمل بخش کشاورزی را پوشش نمی‌دهد و پیشنهاد تصویب «قانون حمایت از کودکان در فعالیت‌های کشاورزی» را مطرح می‌کند. این قانون می‌تواند: -ممنوعیت مطلق کار کودکان زیر ۱۶ سال در مشاغل خطرناک کشاورزی را تعیین کند -مشاغل خطرناک را دقیقاً تعریف کند؛ شامل کار با تجهیزات مکانیزه، تماس با آفت‌کش‌ها، کار در ساعات طولانی یا شرایط سخت آب‌وهوایی -مجازات‌ها را همزمان کیفری، مدنی و اداری تشدید کند این اقدام، همسو با کنوانسیون حداقل سن کار سازمان بین‌المللی کار (ILO) بوده و چارچوبی قانونی و بازدارنده برای حمایت از کودکان فراهم می‌آورد.

شامل شوراهای شهر و روستا، آموزش و پرورش، بهزیستی و بازرس کار، می‌توانند ضمن تهیه فهرست کودکان در معرض خطر، گزارش‌های ماهانه ارسال و فرهنگ رعایت قانون را ترویج دهند.» این نوع نظارت درون‌جوش و پایدار است و می‌تواند راهی برای کاهش آسیب کودکان باشد.

ریشه اقتصادی و اجتماعی

فقر اقتصادی و نیاز به معیشت خانواده‌ها، اصلی‌ترین محرک کودکان برای ورود به بازار کار است. محمدی می‌گوید: «زمانی که خانواده نمی‌تواند هزینه زندگی را تأمین کند، اولین تصمیم، فرستادن کودکان به کار است.» به همین دلیل، ایجاد صندوق ملی حمایت از خانواده‌های کشاورز نیازمند می‌تواند بخشی از این مشکل را حل کند. این صندوق می‌تواند با تأمین منابع از جریمه کارفرمایان متخلف، درآمدهای صادرات محصولات کشاورزی و کمک‌های بین‌المللی، خدمات زیر را ارائه دهد و با کاهش فشار اقتصادی، کودکان را از کار اجباری دور کند:

- ارائه ماهانه مشروط به ثبت نام کودک در مدرسه و عدم اشتغال
- بیمه درمانی برای خانواده
- حمایت از شغل‌های جایگزین والدین

مجازات‌ها و بازدارندگی

محمدی معتقد است مجازات‌های موجود کافی نیستند و نیاز به تشدید دارند: «مجازات کیفری، مدنی و اداری باید همزمان اعمال شود. دیه یا

صدای خنده و بازی کودکان، در بسیاری از روستاهای ایران به سکوت تبدیل شده است. در عوض، صدای داس، سنگ آسیاب و پاشش سموم کشاورزی، بخشی از روزمرگی این کودکان است. کار در مزارع، کمک به دامداری یا فعالیت در کسب‌وکارهای خرد، اغلب اولین تجربه اقتصادی کودکان محسوب می‌شود؛ تجربه‌ای که فرصت تحصیل و بازی را از آن‌ها می‌گیرد و سلامتشان را تهدید می‌کند. حادثه اخیر در برداشت زعفران در جاده مشهد-فریمان، که به مرگ چند کودک منجر شد، نمونه‌ای تلخ از این واقعیت است و زنگ هشدار برای جامعه و مسئولان محسوب می‌شود. افشین محمدی، وکیل پایه یک دادگستری، مسئولیت حقوقی این حوادث را مستقیم بر عهده کارفرما می‌داند: «بهره‌بردار مزرعه مسئول مستقیم است و در صورت استخدام کودک زیر ۱۵ سال، علاوه بر مسئولیت جزایی، موظف به جبران خسارات مدنی نیز است.» حتی کودکانی بالای ۱۵ سال که در محیط‌های خطرناک کشاورزی کار می‌کنند، تحت مسئولیت کامل کارفرما قرار دارند.

خلأ قانونی و نظارتی

قانون کار ایران استخدام کودکان زیر ۱۵ سال را ممنوع کرده، اما در مناطق روستایی اجرای آن تقریباً غیرممکن است. محمدی می‌گوید: «در بسیاری از روستاها، نظارت کافی وجود ندارد و نهادهای مسئول یا غایب هستند یا از کمبود امکانات رنج می‌برند.»

او بر اهمیت ایجاد سازوکارهای محلی تأکید می‌کند: «تیم‌های نظارتی